

آثار عرفانی در آینه فرهنگ آثار

نقد و بررسی کتاب فرهنگ آثار عرفان اسلامی

● سمیه جبارپور

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه somaye.Jabarpour@gmail.com

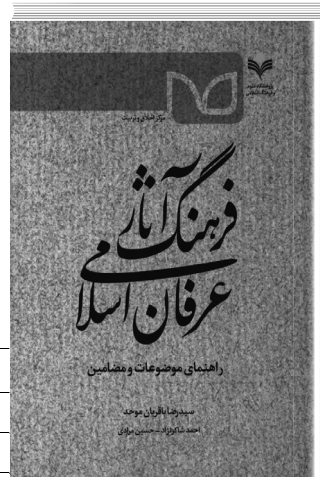
چکیده

فرهنگ‌ها به دلیل سرعت‌دهی به فرایند مطالعه و پژوهش، از منابع مهم و ضروری در حوزه علوم مختلف به شمار می‌آیند. در حوزه عرفان و مطالعات عرفانی نیز با توجه به گستردگی و تعدد تحقیقات در عصر کنونی، تهیه فرهنگی ضرورت دارد که معرف آثار عرفانی است. کتاب فرهنگ آثار عرفان اسلامی به تازگی، پیرامون این امر انجام شد و در این نوشتار، به نقد و بررسی آن در چند بخش، می‌پردازیم: ۱. اطلاعات کتاب‌شناختی در پیشینه تحقیق، ۲. نکته‌هایی درباره دست‌بندی محتوایی و صوری آثار عرفانی، ۳. نکته‌های فنی و نگارشی، ۴. نقدی بر روش و ساختار فرهنگ آثار عرفان اسلامی، ۵. نکته‌هایی درباره معرفی اجمالی کتاب‌ها و ۶. نقدی بر برخی مدخل‌های فرهنگ.

کلیدواژه: فرهنگ، آثار عرفانی، کتاب‌شناسی، عرفان و تصوف

مقدمه

موضوع عرفان و تصوف در حوزه علوم اسلامی و انسانی، یکی از موضوع‌های اساسی و با اهمیت به شمار می‌آید. بنابراین از کهن‌ترین ایام ظهور و رشد عرفان اسلامی تا عصر کنونی، کتاب‌ها و رساله‌های پرشماری در این زمینه، تألیف شده است. با توجه به گستردگی تحقیقات و مطالعه‌های عرفانی، به‌ویژه در دوران اخیر، پژوهشگران برای بررسی، مطالعه و پژوهش در این عرصه، نیاز مبرمی به آشنایی با متون مکتوب عرفانی، به‌عنوان ذخایر ارزشمند و میراث گرانبهای معنوی دارند که تنوع و افزونی آنها چه‌بسا موجب ناشناخته ماندن و در نتیجه، غفلت برخی پژوهشگران از شماری از این آثار شده است. این مسئله، ضرورت کتاب‌شناسی



■ باقریان موحد، سیدرضا، احمد شاکر نژاد و حسین مرادی
(۱۳۹۵). فرهنگ آثار عرفان اسلامی (راهنمای موضوعات
و مضامین). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۲۲

علمی و حرفه‌ای آثار عرفانی و ساماندهی به فهرست طولانی آنها را به‌شکلی جدی به میان آورده است. تاکنون، کتاب‌شناسی‌های معدودی از متون عرفانی، تدوین یافته است که برخلاف اهمیت فراوان آن در تحقیق و مطالعه‌های عرفانی، اما هنوز ابتدای راه قرار دارد. کتاب فرهنگ آثار عرفان اسلامی نیز از زمره تحقیقات کتاب‌شناسی عرفانی به‌شمار می‌رود که به دلیل همت و تلاش گردآوران برای تحقق بخشیدن به این نیاز اساسی در پژوهش‌های عرفانی، در نوشتار کنونی، توجه و بررسی شده است.

کتاب فرهنگ آثار عرفان اسلامی، فرهنگ موضوعی آثار عرفانی است و گردآوردگان آن کوشیده‌اند تا تعدادی از آثار عرفانی را بر مبنای موضوع و مضامین آن معرفی کنند. این فرهنگ از دو بخش مقدمه و معرفی آثار عرفانی تشکیل شده است: در بخش مقدمه، به دسته‌بندی آثار بر مبنای سبک‌های صوری و محتوایی آن پرداخته شده است؛ بخش اصلی فرهنگ نیز متشکل از چند قسمت بوده است: نام پدیدآوردگان آثار (سرمدخل)، نام آثار (مدخل)، تعریف‌نگاری یا معرفی اجمالی اثر، فهرست اثر (تهیه شده از فهرست مندرج در خود آثار) و نمایه (تهیه شده از نمایه انتهای آثار). سرمدخل یا نام مؤلفان کتاب‌ها، با نظم الفبایی تنظیم شده است، اما آثار ایشان که پس از ذکر نام مؤلف معرفی می‌شود، بدون هیچ ترتیب و نظم الفبایی یا تاریخی، قرار گرفته است. همچنین همراه هر یک از آثار معرفی شده نویسنده، نام او نیز هر بار تکرار می‌شود و سرمدخل، همراه هر مدخلی، مکرر می‌شود. روش معرفی آثار را در این فرهنگ، می‌توان به دو بخش هوشمندانه و برگه‌نویسی، جدا کرد. به این ترتیب که فهرست و نمایه‌ای که زیرمجموعه نام آثار ذکر شده است و در برخی موارد، حتی تا چندین صفحه ادامه دارد، روش هوشمندانه نامیده می‌شود که کامل از فهرست و نمایه آثار به

این فرهنگ منتقل شده است. البته این روش ایرادی هم ندارد؛ زیرا سبب آشنایی کاربران فرهنگ با موضوع کتاب بررسی شده خواهد شد. معرفی کوتاه اثر یا تعریف‌نگاری را نیز می‌توان از نوع روش رایج برگه‌نویسی به شمار آورد. با توجه به این نکته که یکی از اهداف اصلی فرهنگ‌نویسی، تسریع جریان مطالعه و پژوهش است، باید اذعان داشت که از میان بخش‌های تشکیل دهنده فرهنگ مورد بررسی، بخش تعریف‌نگاری با تحقق این مهم، از پرفایده‌ترین بخش‌های آن محسوب می‌شود. آثاری که در این فرهنگ برای معرفی برگزیده شده است، متون عرفانی است و آثار پژوهشی از قبیل مقاله یا پایان‌نامه و یا کارهای تحقیقی و پژوهشی صورت گرفته پیرامون مباحث عرفانی، نیست. این آثار، به شیوه توصیفی معرفی شده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۳۳

براساس بررسی مؤلفان فرهنگ مورد بررسی در مقدمه کتاب، تهیه کتاب‌شناسی جامع عرفانی، به دلیل حجم زیاد متون عرفانی، امری شاق و طاقت‌فرسا خواهد بود. اما به باور نگارنده و برخلاف قول ایشان، که فراهم آوردن فرهنگ موضوعی آثار عرفانی را غیرممکن و نامطلوب دانسته‌اند (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۲۳) می‌توان با تشکیل کارگروهی متخصص و اهل فن، فرهنگی جامع و البته روشمند و کارشناسی شده از آثار عرفانی، تهیه کرد. نگارنده، ضمن قدرشناسی و ارج نهادن به تلاش علمی گردآورندگان این مجموعه، در حد بضاعت علمی خود، نقدها و پیشنهادهایی در این نوشتار مطرح کرده است تا مؤلفان این اثر، در صورت صلاحدید، آن را در ویراست یا چاپ‌های بعدی اثر اعمال کنند.

اطلاعات کتاب‌شناختی در پیشینه تحقیق

در مقدمه کتاب، پیشینه‌ای از کتاب‌شناسی‌های عرفانی ارائه شده است که چند نکته مهم درباره آن مطرح است:

۱. از میان پنج کتاب معرفی شده در حوزه کتاب‌شناسی عرفانی، دو کتاب *مآخذشناسی تربیت اخلاقی* و *کتاب شناخت اخلاق اسلامی* خارج از موضوع کتاب‌شناسی عرفانی است.

۲. با توجه به اهمیت بسیار شیوه کاربرد در فرهنگ‌ها و کتاب‌شناسی آثار، گزارش مختصری از روش استفاده شده در کتاب‌شناسی‌هایی که در این بخش معرفی می‌شود - به منظور آشنایی با معایب و محاسن کارهای قبلی و اهتمام مؤلفان اثر جدید در جبران کمبودها و ضعف آنها - در بخش پیشینه تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

۳. اطلاعات کتاب‌شناختی یکی از آثار معرفی شده، ایراد دارد:

- پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا؛ مرجع عرفان و تصوف. قم: پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا. ۱۳۹۲. سه جلد رحلی (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۲).

که باید به این ترتیب اصلاح شود:

- امیرحسین شرافت و دیگران. مرجع عرفان و تصوف (کارنامه منابع پیرامون عرفان اسلامی و تصوف). ناشر: مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی مرجع، چاپ اول: ۱۳۹۲، قم.

۴. افزون بر منابعی که در این بخش معرفی شده است، می‌توان منبع زیر را به این فهرست افزود:

- سبک‌شناسی کتاب‌های عرفانی و منابع تحقیق در تصوف اسلامی. زیر نظر مظفر بختیار. معارف اسلامی (سازمان اوقاف) ش ۱۱. خرداد ۱۳۴۹؛ ص ۸۷-۷۱.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۲۴

نکته‌هایی درباره‌ی دسته‌بندی محتوایی و صوری آثار عرفانی

۱. در طبقه‌بندی آثار عرفانی در بخش مقدمه کتاب، همان‌طور که مؤلف نیز بیان کرده (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۷۱) مسئله اصلی آن است که برخی آثار عرفانی، به دلیل تناسب بخش‌هایی از اثر با چند نوع از انواع ارائه شده، همزمان، در چند قسمت گنجانده شده است. دلیل بروز چنین مشکلی در فرهنگ مورد بررسی، این‌که تقسیم‌بندی آثار، مبتنی بر جزئی‌ترین ویژگی‌های مباحث عرفانی بوده است. حال آن‌که اگر کلیات مباحث، مبنا قرار می‌گرفت، این مسئله پیش نمی‌آمد و افزون بر آن، شاید دسته‌بندی این آثار براساس موضوع‌های شاخص عرفانی، بهتر آن‌را معرفی می‌کرد. عناوین کلی‌تری که پیشنهاد می‌شود، از این قرار است: تذکره‌نامه‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها، فتوت‌نامه‌ها، کتب جامع تصوف، رساله‌های عرفانی در موضوع عشق، مکتوبات، مجالس، تفاسیر عرفانی، داستان‌های رمزی و مانند آن. یکی از انواعی که براساس دسته‌بندی این کتاب، معرفی شد، با عنوان شرح و ترجمه نام‌گذاری شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۷۱) و در توضیح آن گفته شده است که این دسته از آثار، از نوع آثار تبعی است، یعنی آثاری که بر مبنای کتابی پایه تألیف شده است. چون در فهرست کتاب‌هایی که مؤلف در این طبقه گنجانده است، نام شروح و تفاسیر نیز دیده می‌شود، از نظر نگارنده، عنوان شرح و تفسیر برای این بخش، گویاتر از عنوان شرح و ترجمه است. به‌خصوص این‌که تفاسیر عرفانی قرآن کریم، از مهم‌ترین آثار عرفانی است و قید لفظ «تفسیر» در عنوان مذکور ضرورت دارد. همچنین، در فهرست آثاری که به این نوع تعلق دارد، تفاسیر عرفانی اولیه که اهمیت زیادی دارد، نام برده نشد: تفسیر عرفانی منسوب به امام جعفر صادق (ع) به‌تازگی مجزا و براساس نسخه‌ای متفاوت با نسخه مجموعه آثار سلمی (ج ۱، گردآورنده: نصرالله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۶۹، تهران) چاپ شده است و نیز تفسیر لطائف الإشارات قشیری (۳ ج، به کوشش: عبداللطیف حسن عبدالرحمن، دارالکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۲۰، بیروت). ۲. در بخش اصطلاح‌نامه (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۱) میان کتاب‌هایی که

به تفسیر اصطلاحات عرفانی پرداخته‌اند، با آثاری که در مورد الفاظ رمزی است، تفکیکی ملاحظه نمی‌شود. برای نمونه، کتاب *رشف الألفاظ فی کشف الألفاظ* که در شرح و تفسیر الفاظ رمزی نگاشته شده است، نمی‌توان آن را در شمار اصطلاح‌نامه‌ها به حساب آورد. در فهرست ارائه شده برای این قسم، به اصطلاح‌نامه‌های مهمی، می‌توان اشاره کرد. مانند: *نهج‌الخاص ابومنصور اصفهانی*، *درجات المعاملات و سلوک‌العارفين سلمی نیشابوری* و *منثور الخطاب فی مشهور الابواب* قشیری که در کتاب *اربع رسائل فی التصوف* به همراه کتاب *عبارات الصوفیه و معانیها* چاپ گردیده و در مقدمه فرهنگ حاضر، زیرمجموعه اصطلاح‌نامه‌ها به آن اشاره شده، اما در مدخل‌های کتاب ذکر نشده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۲۵

۳. از دیگر اقسام آثار عرفانی - که در این فرهنگ به آن اشاره شد - حکایت است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۵۲). بدیهی است مقصود از این نوع آثار عرفانی، کتاب‌هایی بر مبنای حکایت و با بهره‌گرفتن از این قالب روایی است که آموزه‌های عرفانی را تبیین می‌کند. اما در فهرست نمونه‌های معرفی شده برای این قسم، اساسی‌ترین کتاب‌های عرفانی که می‌بایست نام برده می‌شد، از قلم افتاده است. آثاری مانند: *اسرار التوحید، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، سیرت شیخ کبیر (درباره ابن خفیف شیرازی)*، *هزار حکایت صوفیان و مقامات ژنده‌پیل* که قصه‌های کرامت را بازگو می‌کند.

۴. در بخش رمزنامه‌ها آورده‌اند: «برخی دیگر از این رمزنامه‌ها در بیان تجارب عرفانی است که از معروف‌ترین آنها می‌توان به طواسین حلاج و شرح شطحیات او - که روزبهان بقلی آن را نگاشته است - اشاره کرد» (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۹). با توجه به موضوع کتاب شرح شطحیات، انتظار می‌رفت که این اثر ذیل عنوان شرح و ترجمه معرفی شود. زیرا مقصود از آثار رمزی، آثاری است که به زبان رمز نگاشته شده است؛ حال آن که شرح شطحیات و اساساً شطحیات عرفا را نمی‌توان از مقوله رمز به‌شمار آورد. نکته دیگر این‌که، در فهرست رمزنامه‌ها، به هیچ‌کدام از آثار رمزی شیخ اشراق اشاره نشده است.

۵. در میان آثار عرفانی، کتاب‌هایی را عرفا به قصد تعلیم و آموزش به نوآموزان، طالبان عرفان و تصوف نگاشته‌اند. محققان، این دسته آثار عرفانی را کتب کلاسیک یا تعلیمی، مدرسی و یا کتاب‌های جامع می‌نامند. در کتاب‌های جامع تصوف، هدف آن است که بر مبنای اقوال مشایخ و عرفای سده‌های پیشین، اصول مباحث و مسائل عرفانی شرح داده شود. در فرهنگ مورد بررسی، کتاب‌های جامع به دو دسته کتاب‌های تعلیمی و غیرتعلیمی تقسیم و در توضیح کتاب‌های جامع غیرتعلیمی، آمده است:

«دوم، کتاب‌هایی که با وجود تهیه شدن به صورت نوشته‌ای جامع و ایفای نقش کتاب آموزشی، نامی از تصوف به میان نمی‌آورند و قصد ندارند بر تصوف با

عنوان یک علم، تأکید کنند و بدان نظام دانشی بخشیده، به تعلیم امهات مباحث آن بپردازند؛ بلکه از دید خود، همه مطالبی که برای طی طریق عرفان و وصول به مقصود لازم است، در یک مجموعه آورده‌اند. البته این نوشته‌های جامع را می‌توان کتاب‌های کلاسیک نیز خواند؛ یعنی آثاری معتبر و گزیده که خوب و به دقت سامان یافته‌اند و تقریباً صورت کتاب درسی و تعلیمی و رساله دستوری دارند و جریان فکری‌ای که مؤلف بدان تعلق دارد را به بهترین شکل بیان می‌کنند» (باقریان موحد، ۱۳۵۹، ص. ۴۸).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۲۶

براساس مطلب مذکور، دسته دوم از کتاب‌های جامع، هم تعلیمی و هم غیرتعلیمی است. همچنین این تناقض موجب سردرگمی مخاطب می‌شود. از نظر نگارنده، این تقسیم‌بندی از کتب جامع تصوف، دقیق نیست. زیرا همه آثار عرفانی فی‌نفسه خاصیت تعلیمی دارد، هرچند به لحاظ ساختار و شاکله، با کتاب‌هایی از نوع *اللمع فی التصوف* یا *کشف‌المحجوب* تفاوت داشته باشند. چون مقصود از کتاب‌های جامع عرفانی، آثاری است که در اصل، به قصد تعلیم و آموزش تألیف شده است، تا آن که پاسخ ابهام‌هایی را بدهد که در باب مباحث عرفانی در آن ایام مطرح می‌شد؛ یا به‌منظور روشن‌گری در مباحث و موضوع‌هایی نگاشته می‌شد که دستمایه نقد و رد عرفان و تصوف از سوی برخی اقدشار جامعه شده بود. برخی عبارات‌های مبهم نیز در بیانی - که از فرهنگ آثار عرفان اسلامی در بالا ذکر کردیم - دیده می‌شود و نیازمند توضیح است. مقصود از دید خود، تجربه عرفانی و دیدگاه عارف است؛ و بدین ترتیب، از این منظر، آثار جامع دسته دوم، کتاب‌هایی خواهد بود که برخلاف دسته اول، مبتنی بر تجربه شخصی عارف است. همچنین، مقصود از این عبارت که این دسته از آثار قصد ندارد بر تصوف به عنوان علم تأکید کند، آن است که این آثار به قصد تعلیم دادن عرفان و تصوف به مثابه متنی علمی - آموزشی تألیف نشده است. اینکه ذکر شده است به این دسته از آثار، نظام دانشی بخشیده نشده، به این معناست که این آثار، بر مبنای چارچوب و ساختار کتب مدرسی و علمی، تدوین نشده است. تناقض این عبارت، آن‌جاست که پس از ذکر این که این دسته از آثار جامع به قصد تعلیم، تألیف نشده است و نظم علمی ندارد، بر ویژگی مدرسی و تعلیمی بودن آنها با دادن عنوان کتاب‌های کلاسیک تأکید کرده‌اند. اشاره کردیم، کتب جامع عرفانی را کتب کلاسیک یا مدرسی و تعلیمی نیز می‌خوانند و تفکیک میان عنوان کتاب کلاسیک و کتاب جامع نیز به دور از دقت نظر است. البته تلاش برای تبیین و تعریف آثار جامع دسته دوم، با دادن عنوان کتب کلاسیک نیز کمکی به رفع تناقض و ابهام در شرح این قسم از کتب جامع نکرد؛ همچنین قید این که این آثار، آثاری معتبر و گزیده است که خوب و به دقت سامان یافته، تعریفی غیرعلمی، ناکافی و مبهم از این نوع است. در ادامه، با ذکر دو نمونه برای نوع

دوم از کتاب‌های جامع، کوشیدیم تا مخاطب، بیشتر با این نوع آثار آشنا شود. از آن جمله: *احیاء علوم الدین*، امام محمد غزالی و *قوت القلوب* ابوطالب مکی است که در مورد آنها آمده است:

«کتاب‌های *احیاء العلوم* [مقصود *احیاء علوم الدین* است] *کیمیای سعادت* و *قوت القلوب* ابوطالب مکی (۳۸۶ ق) را می‌توان از این دست دانست [یعنی دسته دوم] که هر چند جامع و تعلیمی هستند و به بهترین نحو نمایانگر دیدگاه صوفیان‌اند، درآمدی بر علم تصوف نیستند و حتی نامی هم از آن نمی‌برند تا چه رسد به اینکه آن را تعریف کنند یا از اصطلاحات و مختصات آن بگویند» (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۸).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۳۷

باید متذکر شد که اصطلاح‌های عرفانی در کتاب‌های نام برده، در باب‌هایی مجزا و به تفصیل با شیوه‌ای تحلیلی، شرح داده شده است. در *قوت القلوب*، بابی با عنوان «مقامات اهل یقین و احوال موقنین» به اصطلاح‌های عرفانی اختصاص یافته است و نه مقام از مقام‌های عملی عرفان - که در *زمره نخستین اصطلاح‌های عرفانی* قرار دارد - شرح داده شده است: توبه، صبر، شکر، رجا، خوف، زهد، توکل، رضا و محبت. این موضوع در *احیاء علوم الدین* نیز - که از *قوت القلوب* متأثر بوده است - صدق می‌کند. اما نکته پایانی، در فهرستی که از کتاب‌های جامع ارائه شد، کتاب *تهذیب الاسرار الخروشی* - که از مدخل‌های ذکر شده در فرهنگ مورد بررسی نیز محسوب می‌شود - ذکر نشده است. همچنین کتاب دیگری به نام *البیاض و السواد* السیرجانی نیز برای این فهرست پیشنهاد می‌شود.

نکته‌های فنی و نگارشی

۱. در شماره‌گذاری عناوین اصلی و فرعی، بخش معرفی سبک‌های آثار عرفانی در مقدمه، روش اتخاذ شده به این ترتیب است: شماره عنوان اصلی که شامل چند زیرمجموعه یا عنوان‌های فرعی است، سمت چپ درج شده است و شماره عنوان‌های فرعی در سمت راست (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۸۷-۳۱) که با توجه به قاعده و روش مرسوم در چنین مواردی در نوشته‌های علمی، پیشنهاد می‌شود شماره عدد عنوان اصلی در سمت راست و شماره عنوان فرعی در سمت چپ، درج شود:

(شیوه فرهنگ آثار عرفان اسلامی)	(روش پیشنهادی)
۱. سبک‌های بیانی (عنوان اصلی) ←	۱. سبک‌های بیانی
۱-۱. کتاب (عنوان فرعی) ←	۱-۱. کتاب
۱-۲. جستارنامه ←	۲-۱. جستارنامه
۱-۳. گفتارنامه ←	۳-۱. گفتارنامه
۱-۴. مکاتیب ... ←	۴-۱. مکاتیب ...

۲. برخی آثاری که در فهرست‌های معرفی شده برای انواع آثار عرفانی در بخش مقدمه ذکر شد، دوبار تکرار شده است:

- در فهرست ذکر شده، زیرمجموعه عنوان «شرح و ترجمه» نام تفسیر کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار، اثر رشیدالدین میبیدی، در شماره‌های ۵ و ۶۶ مکرر شده است که در شماره ۶۶ نام اثر کامل ذکر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۳).
- در فهرست ذکر شده، زیرمجموعه عنوان «اخلاق عرفانی» نام کتاب آداب‌المیریدین، اثر ابوبکر شیبانی در شماره‌های ۷ و ۱۱ تکرار شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۱).

- در فهرست ذکر شده، زیرمجموعه عنوان «مراحل سیر و سلوک» نام آداب‌المیریدین، اثر عبدالقاهر سهروردی در شماره‌های ۴ و ۲۶ مکرر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۴ - ۶۳).

۳. در فهرست آثار ذکر شده، زیرمجموعه عنوان‌های اصلی، انواع آثار عرفانی در بخش مقدمه و نیز زیرمجموعه مدخل‌های فرهنگ، از هیچ نظم و ترتیب الفبایی یا تاریخی، پیروی نمی‌کند.

۴. کتاب نهج‌الخاص که از آثار ابومنصور اصفهانی است، به‌اشتباه از ابونعیم اصفهانی دانسته شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).

۵. فرهنگ آثار عرفان اسلامی، دقیقاً ۴۴۰ مدخل دارد. اما در مقدمه، تعداد کتاب‌های معرفی شده یا همان مدخل‌ها حدود ۵۰۰ عنوان ذکر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۲۳).

۶. برخی اشتباه‌های نگارشی و مطبعی نیز در بخش‌هایی از کتاب دیده می‌شود:

گذاره (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۷) ← گزاره

منظور (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۲۷) ← منظوم

عبداللطیف (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۶) ← عبداللطیف

بحر الحقیقه (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۳۹) ← بحار الحقیقه

۷. در پانوش شماره ۷، صفحه ۴۷، خطایی شده است. در متن کتاب، از سه کتاب *اللمع فی‌التصوف*، *التعرف لمذهب التصوف* و *رساله قشیریه*، نام برده شده است و برای ذکر آدرس مطلب ذکر شده در آثار مذکور، به پانویس صفحه ارجاع داده شده است. در پانوش، به جای ارجاع به کتاب *التعرف* که اصل مطلب در آن جا ذکر شده است، به منبع درجه دو، یعنی شرح آن ارجاع داده شده است. نکته دیگر اینکه، در متن کتاب، به *رساله قشیریه* اشاره شده است، اما در پانوش صفحه، مشخصات صفحه مطلب مورد نظر، در *کشف‌المحجوب* ذکر شده است و البته آن مطلب نه در صفحه‌های ۴۷ و ۳۱ *کشف‌المحجوب* و نه *رساله قشیریه* آمده است.

نقدی بر روش و ساختار فرهنگ آثار عرفان اسلامی

در سطرهای پیش نیز اشاره شد، شیوه تنظیم مدخل‌ها در فرهنگ مورد بررسی،

بر مبنای ترتیب الفبایی نام مؤلف آثار و نه نام کتاب‌هاست. به گفته مؤلفان اثر، این روش، امتیاز فراوانی به دیگر روش‌ها دارد؛ زیرا «می‌توان پرونده و کارنامه علمی نویسندگان را یک‌جا مشاهده و مطالعه کرد و میزان تحقیقات هر پدیدآورنده را شناسایی و با دیگران مقایسه نمود» (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۲۳). در ادامه نیز افزوده‌اند نمایه پایان کتاب - که براساس نام آثار تنظیم شده است - جبران کننده اشکال‌ها و نقایص حاصل از این شیوه خواهد بود. اگرچه بر نگارنده مبهم است که شناختن کمیت یا تعداد آثار مؤلفی و مقایسه آن با تعداد آثار مؤلفان دیگر، چه مزیتی در تحقیقات و مطالعه‌های عرفانی دارد؟ اما باید افزود - همچنان که گردآورندگان این مجموعه نیز اشاره نموده‌اند - شیوه‌ای که ایشان در فرهنگ مورد بررسی، به کار گرفته‌اند، با وجود محاسن، معایبی هم دارد. از نظر نگارنده، اساسی‌ترین نقدی که بر این فرهنگ وارد است، فقدان یا فقر روش علمی، هم در گزینش آثار عرفانی و هم در معرفی آنهاست. گردآورندگان فرهنگ مورد بحث، با زحمت و تلاش علمی، کتاب‌هایی را از میان انبوه آثار عرفانی، از کهن‌ترین ایام تا دوران متأخر، برگزیده‌اند؛ اما گزینش ایشان، پیرو هدف و برنامه مشخصی نیست. چیدمان الفبایی این فرهنگ، براساس نام مؤلف، گذشته از مزایایی که دارد، یعنی مشاهده همه آثار مؤلف کنار هم که سبب شناخت بهتری از مجموعه آثار وی می‌گردد، برای استفاده‌کنندگان دشواری‌هایی نیز در پی دارد. در ادامه، به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. یکی از مسائل ناشی از تنظیم الفبایی مدخل‌ها براساس نام مؤلف در این فرهنگ، ذکر نام کتاب‌هایی زیرمجموعه نام مؤلف است که کامل متعلق به او نیست. زیرا این کتاب‌ها، مجموعه‌ای از رساله‌های عرفانی است که هر رساله‌ای، مؤلفی جداگانه دارد. چون این فرهنگ، فرهنگ موضوعی آثار عرفانی است، تنظیم مدخل‌ها، براساس نام آثار مرجح می‌بود و به نظر می‌رسد جستجوی مراجعه‌کنندگان به این فرهنگ، مبتنی بر عناوین آثار عرفانی است و یا دست‌کم، جستجو براساس نام آثار در اولویت قرار می‌گیرد. مزیتی که تنظیم مدخل‌ها براساس نام کتاب‌ها خواهد داشت، این که کتاب‌هایی که چند رساله عرفانی از چند نویسنده دارد، فقط در نام یک مؤلف مقید و منحصر نمی‌ماند. چون نام همه صاحبان این رساله‌ها در فرهنگ مورد بررسی، به‌عنوان سرمدخل ذکر نشده است. البته اگر این امر هم تحقق می‌یافت، مشکل دیگری بروز می‌کرد و آن، تکرار کتابی واحد ذیل نام‌های مؤلفان رساله‌های مندرج در آن بود. مدخل‌هایی که این مسئله به آن راه یافت، به شرح زیر است:

- ص ۱۱۶، مدخل ۱۴، قصه‌حی بن یقظان و سلامان و ایسال به روایت ابوعلی سینا و، زیرمجموعه نام ابن سینا ذکر شده است. اما کتاب، متشکل از چند داستان رمزی از چند نویسنده است: سهروردی، ابن طفیل، جامی، محمودبن میرزاعلی و ابن سینا.

- ص ۱۱۸، مدخل ۱۵، کتاب معراج‌نامه که زیرمجموعه نام ابن سینا آمده است، دو معراج‌نامه دارد: یکی تحریر ابن سینا و دیگری تحریر ابرقوهی.

- ص ۱۱۹، مدخل ۱۷، کتاب *محاسبة النفس*، زیرمجموعه نام علی بن موسی ابن طاووس ذکر شده است، اما شامل دو رساله اخلاقی دیگر، از تقی الدین بن علی عاملی و شهید ثانی است.

- ص ۱۲۳، مدخل ۲۹، *چهار رساله عرفانی* دربرگیرنده آثاری از ابن عربی و شمس الدین لاهیجی است که زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۹۴، مدخل ۹۷، کتاب *دو رساله در سیر و سلوک*، زیرمجموعه نام سید مرتضی بحر العلوم ذکر شده است، اما چنان که از نام کتاب هم پیداست، رساله دیگری نیز افزون بر آن، از میرسید حسین قزوینی جزو کتاب است. نکته دیگر این که، رساله سیر و سلوک بحر العلوم در مدخل دیگری با چاپ مستقل، دوباره و تکراری معرفی شده است.

- ص ۳۰۶، مدخل ۲۰۹، *مجموعه رسائل عوارف المعارف* که زیرمجموعه نام شبستری آمده است، مجموعه‌ای از اشعار چند عارف دیگر نیز ذکر شده است.

- ص ۳۱۰، مدخل ۲۱۳، *روزبهان‌نامه* از آثار تألیفی روزبهان بقلی نیست؛ بلکه مجموعه چهار رساله است که فقط یکی از آنها، یعنی *تحفة العرفان* از روزبهان است و بقیه شامل احوال او و از مؤلفانی دیگر: *تحفة اهل العرفان* از شرف الدین ابراهیم، فرزند صدرالدین روزبهان ثانی؛ *روح الجنان فی سیرة الشیخ روزبهان* از شمس الدین عبداللطیف بن صدرالدین ابی محمد روزبهان ثانی؛ *منازل القلوب* از سیمایی الهی که شرح برخی از بندهای *رساله قدس روزبهان* بقلی است. معرفی اجمالی این کتاب بسیار کلی است و همین امر موجب ابهام اطلاعات کتاب‌شناختی اثر شده است.

- ص ۳۵۵، مدخل ۲۵۶، *رسایل جوانمردان* مجموعه رسائلی در باب فتوت از چند عارف است که زیرمجموعه نام عبدالرزاق کاشانی، درج شده است.

- ص ۴۳۶، مدخل ۳۱۰، *چهارده رساله* که زیرمجموعه نام فخر رازی آمده است و دربردارنده آثار چندین نویسنده است.

- ص ۴۴۵، مدخل ۳۱۸، *اسرار نماز*، سه رساله از سه مؤلف است و فقط به فیض کاشانی اختصاص ندارد.

- ص ۵۱۶، مدخل ۳۸۹، *ارکان عرفان*، اثری مختص به نجم الدین رازی نیست، بلکه رسالات خواجه حوراء و خواجه عبدالله انصاری هم در آن کتاب آمده است.

۲. مشکل دیگری که چیدمان الفبایی مدخل‌های این فرهنگ، براساس نام مؤلف به وجود آورده است، این که شروح مختلفی از آثار مؤلف، نه به نام شارح آن - که کتاب مورد نظر را بر مبنای اندیشه‌ها و دیدگاه خود تشریح کرده است - بلکه زیرمجموعه آثار مؤلف معرفی شده است. با توجه به این که مؤلفان فرهنگ، مقصود خود را از نظم الفبایی مدخل‌ها، براساس نام مؤلف، نهادن آثار تألیفی مؤلفان ذکر کرده‌اند، با این وصف، شرح آثار را نیز شامل تألیفات ایشان به‌شمار آورده‌اند. حال آن که این شرح‌ها از سوی شارحانی با دیدگاه‌های مختص به آنان، پدید آمده است.

از میان موارد بسیاری که این مسئله در آنها مشهود است، فقط در یک مورد، معرفی به درستی بود:

- ص ۲۰۱، مدخل ۱۰۵، شرح لمعات که شرحی عرفانی بر لمعات عراقی است و به درستی زیرمجموعه نام شارح آن، یعنی عبدالله برزنج آبادی قید شده است.

در ادامه مدخل‌هایی ذکر می‌شود که این شیوه درست در آن رعایت نشده است:

- ص ۳۲، مدخل ۲۶ و ص ۶۴، مدخل ۲۴، حدیقه الحقیقه، اثر یکی از نوادگان احمد جام به نام ابوالفتح محمد بن مطهر بن شیخ الاسلام احمد جام است که زیرمجموعه نام احمد جام آمده است.

- ص ۱۰۸، مدخل ۵، تائیه عبدالرحمن جامی به انضمام شرح قیصری، به جای این که زیرمجموعه نام شارح بیاید، زیرمجموعه نام صاحب تائیه، ابن فارض ذکر شده است.

- ص ۱۲۱، مدخل ۲۱، تبیان الترموز یا شرح و ترجمه مقدمه شرح فصوص الحکم، از نویسندگانی به نام فخرالعلماء کردستانی است، اما زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۳۱ تا ۱۴۰، مدخل‌های ۳۷ تا ۴۲، شروح فصوص الحکم، از شارحانی چون: حسین بن حسن خوارزمی، خواجه محمد پارسا، عبدالرزاق کاشانی، علی بن محمد ترکه اصفهانی، قیصری و جندی است که زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۴۰، مدخل ۴۳، شرح مناقب ابن عربی، از محمد صالح موسوی خلخالی است که زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۵۸، مدخل ۴۸، الکبریت الأحمر فی بیان علوم الشیخ الاکبر، کتابی از عبدالوهاب بن احمد شعرانی است که کتاب‌های لواقح الانوار القدسیه و فتوحات مکیه ابن عربی را گزینش و تلخیص کرده است؛ اما زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۶۰، مدخل ۵۲، کشف الغایات فی شرح مالکتفت علیه التجلیات، شرح عبدالکریم جیلی بر کتاب التجلیات الالهیه ابن عربی است که زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۶۱، مدخل ۵۳، ممد الهمم در شرح فصوص الحکم، از آیت الله حسن زاده آملی است. ولی زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۶۲، مدخل ۵۴، نصوص الخصوص فی ترجمه الفصوص، شرح دیگری از فصوص الحکم ابن عربی است که شارح آن رکن الدین مسعود بن عبدالله شیرازی است، ولی زیرمجموعه نام ابن عربی آمده است.

- ص ۱۸۶، مدخل ۸۸، انیس العارفین، شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری از عبدالرزاق کاشانی است، اما زیرمجموعه نام خواجه عبدالله آمده است.

- ص ۱۸۷، مدخل ۸۹، تسنیم المقربین، شرح دیگری از منازل السائرین و از شمس الدین محمد تبادکانی است و زیرمجموعه نام خواجه عبدالله انصاری آمده است.

- ص ۲۸۹، مدخل ۱۹۶، شرح عبداللطیف عباسی بر حدیقه سنایی (لطائف

الحدایق) از عبداللطیف عباسی است که زیرمجموعه نام سنایی آمده است. ص ۳۰۰، مدخل ۲۰۲، مونس العشاق متن منظوم حقیقة العشق سهروردی و اثر عمادالدین عربشاه یزدی است نه سهروردی، اما زیرمجموعه نام سهروردی ذکر شده است.

- ص ۳۰۲، مدخل ۲۰۶، شرح گلشن راز، از حسین بن عبدالحق الهی اردبیلی، زیرمجموعه نام شبستری آمده است.

- ص ۳۰۷، مدخل ۲۱۰، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، شرح مشهور لاهیجی بر گلشن راز است، اما زیرمجموعه نام شبستری آمده است.

- ص ۳۰۹، مدخل ۲۱۱، نسایم گلشن، شرح گلشن راز، از نظام الدین محمود داعی شیرازی است که زیرمجموعه نام شبستری آمده است.

- ص ۳۸۴، مدخل ۲۷۷، کتاب چهل مجلس، تألیف امیر اقبال سیستانی، شاگرد علاءالدوله سمنانی است، اما زیرمجموعه نام سمنانی ذکر شده است.

- ص ۴۰۷، مدخل ۲۹۳، شروح سوانح، سه شرح از شارحان مختلف بر سوانح غزالی است که زیرمجموعه نام او ذکر شده است.

- ص ۴۷۸، مدخل ۳۴۷، کتاب خلاصه شرح تعرف، از عارف گمنام سده هشتم که زیرمجموعه نام کلابادی ذکر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۶).

- ص ۴۷۹، مدخل ۳۴۸، کتاب شرح التعرف لمذهب التصوف، اثر مشهور مستملی بخاری است؛ اما زیرمجموعه نام کلابادی ذکر شده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۳).

- ص ۴۹۷، مدخل ۳۷۴، سراج السالکین، منتخبی از مثنوی مولوی و به فیض کاشانی تعلق دارد، اما زیرمجموعه نام مولوی ذکر شده است.

- ص ۵۰۰، مدخل ۳۷۵، شرح مثنوی، از ملاهادی سبزواری، زیرمجموعه نام مولوی آمده است.

- ص ۵۰۱، مدخل ۳۷۷، لب لباب مثنوی، گزینش حسین بن علی کاشفی نیز زیرمجموعه نام مولوی آمده است.

- ص ۵۳۷، مدخل ۴۰۸، شرح مواقف نقری، از عفیف الدین تلمسانی است که زیرمجموعه نام نقری آمده است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۶۴).

۳. تنظیم الفبایی فرهنگ مورد بررسی، براساس نام مؤلف، اشکال دیگری نیز پیش آورده است، این که، در میان سرمدخل ها یا نام مؤلفان، با دو عنوان «گمنام» (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۴۸۳-۴۸۱) و «نویسندگان» (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۵۵۰-۵۴۰) مواجه می شویم. بدیهی است، مراجعه کننده به فرهنگ، در جستجوی آثار مؤلفی نخواهد بود که او را نمی شناسد یا آثاری که متعلق به مجموعه ای از نویسندگان است. زیرمجموعه نام «نویسندگان» کتاب هایی - که مجموعه ای از رساله های عرفانی چندین عارف دارد- معرفی شده است. چون کتاب نیز متشکل از آثار گروهی از

مؤلفان است، نمی‌توانست به‌نام یکی از ایشان معرفی شود. اما در مدخل‌های پیشین فرهنگ، این شیوه استفاده شده است و آثاری از این قبیل، زیرمجموعه نام تنها یکی از مؤلفان رساله‌های مندرج در یک کتاب، ثبت شده است. چنین شیوه دوگانه‌ای که در این فرهنگ اتخاذ شده است، سبب تشویش و آشفتگی نظام و شیوه اتخاذ شده در فرهنگ خواهد شد.

- ص ۵۴۶، مدخل ۴۱۶، کتاب *شبهستان عرفان*، مجموعه رسائل فارسی از پیران ایران است و مؤلفان اثر گمنام خوانده شده‌اند. با توجه به شیوه این فرهنگ - که در بالا اشاره شد - این کتاب می‌بایست زیرمجموعه عنوان «گمنام» نه «نویسندگان» معرفی می‌شد. البته باید افزود همه مؤلفان رسایل این کتاب گمنام نیستند و نام صاحبان برخی رساله‌های آن شناخته شده است.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷



نکته‌هایی درباره معرفی اجمالی کتاب‌ها

در معرفی تعدادی از مدخل‌های فرهنگ، خطاهایی راه یافته است که به این شرح خواهد بود:

۱. ص ۱۵۳، مدخل ۴۶، کتاب *فصوص الحکم*، ترجمه و تحلیل محمدعلی موحد و صمد موحد معرفی شده است. اطلاعات کتاب‌شناختی اثر، درست است؛ جز این که تعداد صفحه‌ها به اشتباه ۷۴۳ صفحه ذکر شده است که رقم درست، ۷۳۳ است. نکته‌ای در بخش تعریف‌نگاری می‌بینیم. در معرفی کتاب آمده است: «تحلیلی از تعلیمات ۲۷ پیامبر از حضرت آدم تا حضرت محمد (ص) است. مؤلف مدعی است این کتاب، بیان کشف‌ها و الهام‌هایی است که بر وی از غیب وارد شده است».

تعریف اجمالی کتاب براساس مندرجات فوق، به متن کامل *فصوص الحکم* ابن عربی تعلق دارد که از ۲۷ فص تشکیل شده است. اما کتابی که در این مدخل معرفی شده است، شرح و تحلیل ده فص از ۲۷ فص اصل کتاب است. نکته دیگر این که، در معرفی *فصوص الحکم*، به‌عنوان یکی از آثار مهم و اصلی ابن عربی، می‌بایست متن اصلی در اولویت فهرست قرار می‌گرفت؛ حال آن که کتاب معرفی شده، از آثار پژوهشی به شمار می‌آید و متن کامل *فصوص الحکم*، پس از چند مدخل معرفی می‌شود که به معرفی شروع *فصوص الحکم* اختصاص دارد (مدخل ۴۷، ص ۱۵۷).

۲. ص ۱۶۷، مدخل ۶۵، کتاب *زندگی و آثار شیخ ابوالحسن بستی* تألیف بستی نیست، بلکه اثری است مشتمل بر چهار رساله از ابوالحسن بستی با مقدمه محققانه دکتر نصرالله پورجوادی، درباره زندگی و آثار او. بنابراین، قید عبارت «سرگذشت‌نامه عارف قرن پنجم» در معرفی اثر خالی از اشکال نیست. همچنین در مقدمه فرهنگ نیز این کتاب، از نوع تذکره‌نامه‌های عرفانی دانسته شده که قابل تأمل است (باقریان موحد، ۱۳۹۵، ص. ۵۰).

۳. ص ۲۱۴، مدخل ۱۲۰، کتاب ترجمه و شرح *تمهید القواعد* که در دو مدخل

متوالی ۱۲۱ و ۱۲۲ نیز با عناوین *التمهید فی شرح قواعد التوحید* و *تمهید القواعد*، زیرمجموعه نام علی بن محمد ترکه اصفهانی معرفی شده است، در اصل، شروع کتاب *قواعد التوحید* محمد بن حبیب الله ترکه اصفهانی جد علی بن محمد را معرفی کرده است. اما در هر مدخل، تعریف مجمل و متفاوتی از این شروع دارد که مبهم است. ابهام تعریف نگاری این شروع، از آن جا ناشی می شود که قید نشده است این کتابها شرح کدام اثر و متعلق به چه کسی است؟ ذکر این که این آثار از کتب مهم عرفانی است، آگاهی چندانی در اختیار مخاطب قرار نمی دهد. ما در این مجال نیز معرفی زیر را پیشنهاد می کنیم:

«کتاب قواعد التوحید از مهم ترین متون عرفان نظری به شمار می آید و موضوع آن شرح توحید وجود، اثبات آن و بیان مبانی عقلی و عرفانی در این مسئله و دفع شبهات و ایرادهای آن است.»

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۳۴

نقدی بر برخی مدخل های فرهنگ

۱. ذکر نشدن شاخص ترین و اصلی ترین اثر مؤلف یا برخی از آثار او:

- ص ۱۷۶، مدخل ۷۴، کتاب *تهذیب حلیة الاولیاء* زیرمجموعه نام ابونعیم اصفهانی معرفی شده است. حال آن که خلاصه ای از کتاب *حلیة الاولیاء* است. نکته مهم تر این که، کتاب *حلیة الاولیاء* ابونعیم اصفهانی در این فرهنگ معرفی نشده است و به جای معرفی متن اصلی و کامل آن، خلاصه کتاب معرفی شده است.

- ص ۱۷۷، مدخل ۷۷ به بعد، به معرفی آثار شیخ احمد جام اختصاص دارد. اما برخلاف تأکید گردآورندگان فرهنگ مورد بررسی در ارائه فهرستی جامع از کارنامه آثار عرفا، نام دو اثر از آثار چاپ شده شیخ جام، ذکر نشده است: *سراج السائرین* و *رساله سمرقندیه*.

- در ص ۲۰۱، مدخل ۱۰۹ و ص ۲۲۵، مدخل ۱۲۶ و ص ۴۳۲، مدخل ۳۰۶، سه کتاب درباره عقاید، سخنان و سرگذشت شیخ احمد جام معرفی شده است. یادآوری می شود، دو کتاب چاپ شده دیگر نیز درباره مقامات احمد جام هست که می تواند به فهرست مدخل ها افزوده شود: *مقامات منظوم و اثبات بزرگی شیخ جام*.
- ص ۴۶۶ به بعد، معرفی آثار قشیری آغاز شده است که نامی از اثر مهم او، *لطائف الاشارات* ذکر نشده است.

- ص ۴۹۷ به بعد، به آثار مولوی اختصاص دارد، اما از مهم ترین کتاب او، *مثنوی معنوی*، نامی برده نشده است.

۲. تکراری بودن برخی مدخل ها که به جای آن، می توانستند کتاب های دیگری را جایگزین کنند:

- ص ۲۴۵، مدخل ۱۴۸، چاپ مستقلاً از کتاب *ادب و نفس*، حکیم ترمذی معرفی شده است. در مدخل ۱۵۳، این کتاب دوباره همراه رساله ای دیگر و با عنوان کتاب

الریاضه و ادب النفس معرفی شده است.

۳. معرفی ترجمه آثار، به جای معرفی آن، به زبان اصلی:

- ص ۲۵۹، مدخل ۱۷۲، ترجمه عرائس البیان فی حقایق القرآن، روزبهان بقلی،

به جای متن عربی آن معرفی شده است.

- ص ۲۶۸، مدخل ۱۷۸، ترجمه منطق الاسرار به بیان الانوار روزبهان بقلی با عنوان

مکاشفات صوفیان معرفی شده است که معرفی متن به زبان اصلی (عربی) ارجحیت

دارد.

۴. ص ۳۹۹، مدخل ۲۸۷، کتابی با عنوان شرح کلمات باباطاهر، زیرمجموعه نام

عین القضاة همدانی ذکر شده است که ارتباط مستقیمی با او به عنوان مؤلف اثر

ندارد.

۵. ص ۲۷۷، مدخل ۱۸۷، درباره کتاب اعجوبه و محجوبه است. باید افزود این

کتاب، عرفانی نیست؛ بلکه داستان عامیانه کهن فارسی از اوایل قرن هفتم هجری و از

زمره کتابهای اخلاق، سیاست و تدبیر منزل، به شمار می رود (آل داوود، ۱۳۸۷، ص. ۳).

کتابشناسی کتابهای عرفانی پیشنهاد شده در این نوشتار

- ابی نعیم الاصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۶). حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء (۱۰ ج).

مکتبة الخانجی (قاهره). دارالفکر، بیروت - لبنان.

- الاصفهانی، ابی منصور (۱۳۶۶). نهج الخاص. به تصحیح نصرالله پورجوادی. شماره

۵ و ۶. پاییز و زمستان. ص ص. ۱۳۲ - ۱۴۹.

- تفسیر عرفانی قرآن منسوب به امام جعفر صادق (ع) (۱۳۹۳). به تصحیح مهدی

تدین و علی اصغر میرباقری فرد. چاپ اول. تهران: سخن.

- جامی نامقی، شهاب الدین اسماعیل بن احمد (۱۳۹۱). رساله در اثبات بزرگی

شیخ جام. تصحیح حسن نصیری جامی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

- روزبهان بقلی، روزبهان ابن ابی نصر (۱۳۹۳). منطق الاسرار بیان الانوار. مصحح:

سیدعلی اصغر میرباقری فرد، زهره نجفی. چاپ اول. تهران: سخن.

- زنده پیل، احمد بن ابوالحسن (احمد جام نامقی). (۱۳۸۹). سراج السائرین. تصحیح

حسن نصیری جامی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- دیلمی، ابوالحسن (۱۳۶۳). سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف شیرازی،

ترجمه رکن الدین یحیی بن جنید شیرازی، تصحیح: ا. شیمل طاری، به کوشش دکتر

توفیق سبحانی، چاپ اول، تهران: نشر بابک.

- السلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین (۱۳۶۹). درجات المعاملات در

مجموعه آثار السلمی. (ج ۱). گردآورنده: نصرالله پورجوادی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر

دانشگاهی.

- السلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین (۱۳۶۹). *سلوک العارفين* در مجموعه آثار السلمی. (ج ۳). گردآورنده: نصرالله پورجوادی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- السیرجانی، ابوالحسن علی بن الحسن (۱۳۹۳). *البیاض و السواد من خصائص حکم العباد فی نعت المرید والمراد*، تصحیح و تحقیق: دکتر محسن پورمختار، چاپ اول، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین.

- القشیری، الإمام ابی القاسم عبدالکریم بن هوازن (۱۴۲۰). *تفسیر القشیری المسمی لطائف الإشارات*. (ج ۳). وضع حواشیه و علق علیه: عبداللطیف حسن عبدالرحمن. الطبعة الاولى. بیروت - لبنان: دارالکتب العلمیه.
- — (۱۳۸۹ق). *منشور الخطاب فی مشهور الابواب* در «*اربع رسائل فی التصوف*». قاسم السامرائی. بغداد: مطبعة المجمع العلمی العراقی.
- مقامات منظوم شیخ جام (ژنده پیل) (۱۳۹۱). تصحیح: حسن نصیری جامی. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هزار حکایت صوفیان (ج ۲). (۱۳۸۹). از مؤلفی ناشناس. تصحیح حامد خاتمی پور. چاپ اول. تهران: سخن.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال اول، شماره ۳ و ۴
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۳۶

پی‌نوشت

۱. مشخصات کتاب‌شناختی تمام آثار ذکر شده در این نوشتار، در پایان مقاله، آمده است.

منابع

- آل داوود، سیدعلی (۱۳۸۷). *برگزیده اعجوبه و محجوبه*. تهران. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ضمیمه شماره ۶ نامه فرهنگستان.
- باقریان موحد، سیدرضا (۱۳۹۵). *فرهنگ آثار عرفان اسلامی (راهنمای موضوع‌ها و مضامین)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.